

دریچه

جایزه شاملو، فرصتی برای دیده‌شدن

همه صداها باید شنیده شود

● محمود معتقدی می‌گوید شاعران شهرستانی اغلب امکان دیده‌شدن و ادامه کار ندارند و جوایزی مثل جایزه شعر شاملو چنین فرصتی را برای باورمندی در آنها ایجاد می‌کند. این شاعر در گفت‌وگو با ستاد خبری پنجمین دوره جایزه شعر شاملو با اشاره به مشکلات ناشران شهرستانی گفت: اینکه کتاب‌های شعر ناشری در اهواز یا هر شهرستان دور و نزدیک دیگر فرصت پیدا می‌کنند تا با شرکت در جوایز ادبی ازجمله جایزه شعر شاملو بیشتر دیده شوند، بسیار باعث خوشحالی است؛ اما اینها حرکت‌های محدودی است و متأسفانه اغلب این ناشران وضعیت چندان خوبی ندارند که این موضوع عرصه را برای شاعران دور از پایتخت تنگ می‌کند. او با اشاره به حضور خود در چهارمین دوره جایزه شعر شاملو به‌عنوان داور مرحله اول گفت: در آن دوره بیش از ۲۰۰ کتاب شعر برای دبیرخانه ارسال شد که نشان‌دهنده استقبال عمومی از این جایزه است. گویی جوان‌ها تمایل دارند خودشان را در این فضا بیازمایند. به‌همین‌خاطر شاید بشود جایزه شعر شاملو را مهم‌ترین جایزه شعر در تاریخ ادبی ایران دانست. او افزود: البته هر حرکتی همواره با حاشیه‌های اجتناب‌ناپذیری نیز همراه است و آنکه دست به عمل می‌زند، خوانده‌ناخواه خود را در معرض قضاوت قرار می‌دهد؛ اما به نظر می‌رسد که با وجود همه حواشی اجتناب‌ناپذیر، آنچه عمر این جوایز را کوتاه و پرمال می‌کند، اغلب مشکلات اقتصادی است. معتقدی با بیان اینکه ناشران و نهادهای فرهنگی باید از نظر مالی به این جوایز کمک کنند، گفت: اغلب به مرور زمان شرایط اقتصادی جوایز خصوصی بدتر می‌شود و به‌تدریج سرنوشتی جز تعطیلی ندارند؛ اتفاقی که درباره جایزه گلشیری شاهد آن بودیم؛ با وجود استقبال زیادی که در سال‌های نخست از این جایزه شده بود. این شاعر با اشاره به اینکه اغلب یکی از مهم‌ترین مشکلات جوایز خصوصی و مستقل کمبود امکانات مالی و نداشتن مکان برای برگزاری مراسم است، افزود: معمولا دشواری مواجهه با مشکلات افراد را به گوشه‌نشینی و قرار از هر حرکت و هر کنشی ترغیب می‌کند؛ اگرچه خوشبختانه هنوز هستند کسانی که با وجود همه این سختی‌ها پایداری می‌کنند و انگیزه‌های‌شان را به‌سادگی از دست نمی‌دهند؛ ازجمله برگزارکنندگان جایزه مهرگان و جایزه شعر شاملو. او حمایت از همه جوایز در سیاست‌های کلان فرهنگی را یکی از مهم‌ترین راهکارها در این زمینه عنوان کرد و گفت: باید به همه صداها فرصت حضور داده شود؛ درحالی‌که امروز فقط جوایز دولتی هستند که پربار برگزار می‌شوند. معتقدی افزود: باید از مرزبندی‌های خودی و ناخودی عبور کنیم و امکاناتی مساوی برای همه کسانی قائل باشیم که در راه اعتلای فرهنگ این جامعه می‌کوشند. در غیراین‌صورت آنها نیز دیر یا زود خسته خواهند شد و گوشه عزلت خواهند گزید. این شاعر همچنین به برخی مشکلات در حوزه داوری شعر اشاره کرد و گفت: ما هنوز در حوزه نقد و بررسی شعر به تکامل نرسیده‌ایم و مراکز فرهنگی و دانشگاهی ما هم منتقد پرورش نمی‌دهند. او درباره معیارهای داوری شعر افزود: در جایزه شاملو و معیارهای مشخصی روبه‌رو هستیم که براساس اندیشه‌ها و ایده‌های شاملو درباره شعر نو شکل گرفته است. البته خود این موضوع هم ممکن است محل بحث و نظر قرار گیرد و شاید در برخی موارد جای بازنگری داشته باشد.

خبر

نیما جاویدی: نگذارید اموالمان را به تاج‌بیرند

● کارگردان فیلم «سرخ‌پوست» از انتشار نسخه برده‌ای این فیلم در فضای مجازی و نداشتن برخورد جدی و قاطع با سارقان و قاچاقچیان فیلم‌های سینمایی انتقاد کرد. نیما جاویدی دراین‌باره نوشت: «صفحات مجازی پر شده از نسخه غیرقانونی و بی‌کیفیت فیلم «سرخ‌پوست» که از روی پرده برداشته شده است و متأسفانه برخورد با سارقان و قاچاقچیان فیلم‌های سینمایی در فضای مجازی به‌هیچ‌وجه قاطعانه و جدی نیست. زدران با وقاحت و خیال راحت حالا دیگر فیلم‌ها را از روی پرده سینما می‌زدند و انگار-نشانگار! نگذاریم این دردز و بالارفتن از دیوار سینما تبدیل به امری عادی شود. باور کنید کار به جایی رسیده که بیم‌تجری می‌رود و امنیت و آرامش صاحبان فیلم‌ها مختل شده است. به نمایندگی از طرف بیش از صد نفر از عوامل و دست‌اندرکاران فیلم سینمایی «سرخ‌پوست»- که حاصل تلاش شایسته‌روزی‌هایم در روز روشن به‌یچ‌وجه نیست- می‌خواهم یک‌بار برای همیشه به برخورد قاطع و سریع خود ضمن برقراری آرامش، به این اوضاع خاتمه دهنـد که دیگر زدران مسال مردم جرئت نکنند چنین بی‌پروا و گستاخانه در روز روشن اموالمان را به تاج‌بیرند. در ادامه امتحان دارم مخاطبان فهیم فیلم‌های سینمای ایران حتی اگر فرصت دیدن این فیلم روی پرده سینما را پیدا نکرده باشند، به احترام خودشان هم که شده حاضر به دیدن نسخه بی‌کیفیت و برده‌ای فیلم نخواهند شد. نسخه باکیفیت فیلم برای مخاطبان عزیز به‌زودی در شبکه نمایش خانگی عرضه خواهد شد».

بهناز شیربانی: مسعود کیمیایی برای ساخت سسی‌امین فیلم کارنامه‌اش آماده می‌شود. همین خبر کافی بود تا توجه علاقه‌مندان آثارش را جلب کند. تجربه قبلی کیمیایی، «قاتل اهلی»، چه در زمان تولید و بعد از آن در اکران، آنچنان هیاهویی به راه انداخت و اسیر حواشی متعدد میان سازندگاناش شد که خود فیلم از دست رفت. علاقه‌مندی و آمادگی کیمیایی بیش از هر چیز مخاطبان آثارش را مصمم می‌کند که این‌بار فیلمی از او ببینند که به زعم خودش می‌تواند بهترین اثرش باشد. کیمیایی به «خون شد» امید بسته است. زمان زیادی برای نگارشش گذاشته و از قهرمانی می‌گوید که بازگشته تا سروسامانی به زندگی‌اش بدهد. بازگشت مرد قصه بعد از غیبتی طولانی، از همان ابتدا همه را به پیاد «قیصر» سازنده‌اش انداخت. فارغ از اینکه کیمیایی بارها از عدم تمایلش به ساخت دنباله‌های قصه‌های قدیمیش حرف زده بود، «خون شد»- برای او حال‌وهوای دیگری دارد. دست‌آخر کیمیایی برای خلاص‌شدن از تاول‌های مختلفی که تازه‌ترین اثر

او را قیصری دوباره توصیف کرده بودند به سینماالانین گفت: «بازسازی یا سری دوم فیلمی را ساختن شیوه فیلم‌سازی افراد دیگر است. من هیچ‌وقت این‌گونه فیلم نمی‌سازم». «خون شد» مدتی است مقابل دوربین فته. سعید آقاخانی قهرمان قصه است و سیامک انصاری، لیلیا زارع، نسرين مغانلو، هومن برق‌نورد، سیامک صفری و ماهور احمدی از دیگر بازیگران فیلم تازه کیمیایی هستند. روزهای آخر فیلم‌برداری در یکی از محله‌های قدیمی تهران در خیابان ری می‌گذرد؛ کوچه‌ای بن‌بست که در سبز رنگ و نیمه‌باز خانه‌ای قدیمی، با درخت‌هایی سر به آسمان‌کشیده نگاه می‌دزد. میانه‌های روز است و گروه برای نفس تازه‌کردن به حیاط آمده‌اند. حالا ابهت خانه خودش را بیشتر به رخ می‌کشد؛ خانه‌ای با آجرهای بهمنی و ایوانی عریض و باغچه و حوضی در میانه، شکوه عجیبی دارد و آرامش که تو را از قیل‌وقال پیرون خلاص می‌کند. گروه صحنه در زیرزمین مشغول مه‌گردان و چیدن سکانس بعد هستند و مسعود کیمیایی روی نیمکتی چوبی و کنار حوض نشسته است. با خودش آرام فکر می‌کند و گهگاه با علیرضا زربن‌دست که این‌بار نیز پشت دوربین قرار گرفته حرف می‌زند. مسعود کیمیایی پرنزری‌تر از همیشه است. با اعضای گروهش خوش‌وبش می‌کند و به آنچه تا دقیقای دیگر فیلم‌برداری می‌شود فکر می‌کند. به فاصله کوتاهی مسعود کیمیایی و علیرضا زربن‌دست به سمت زیرزمین خانه می‌روند؛ زیرزمینی که به محض ورود، دود غلیظی به صورت می‌خورد و در فضای مه‌آلودش صندوق چوبی بزرگ و دوچرخه‌ای آویزان به دیوار، پرده‌های نیمه‌آویزان پنجره‌ها و صندلی‌های چوبی کهنه روی هم چیده‌شده، توجه جلب می‌کند و البته مرغ و خروسی که ظاهرا حضورشان در این سکانس الزامی است.

کیمیایی به سمت در می‌دوید که راه کج می‌کند و پشت پرده، مقابل مانیوتور می‌نشیند. بلافاصله مینیاتر صحنه و دستیارانش کنارش می‌ایستند و در سوی دیگر پرده، علیرضا زربن‌دست و گروهش برای فیلم‌برداری آماده می‌شوند. نسرين مغانلو برای بازی در این سکانس از راه می‌رسد و باید به محض ورود به زیرزمین چنددقیقه‌ای تأمل کند و دوربین دوار شود و بعد از آن در کنار صندوق قدیمی بنشیند. زربن‌دست این صحنه را باید روی دست فیلم‌برداری کند؛ صحنه‌ای که در فیلم تعیین‌کننده است و فیلم‌برداری‌اش در آن فضای تنگ، سخت به نظر می‌رسد. زربن‌دست تمرین می‌کند و لبخند رضایت روی صورت مسعود کیمیایی می‌نشیند. این صحنه همانی است که در ذهنش بوده و زربن‌دست هم برای ثبت آن مصمم‌تر می‌شود. کیمیایی به دفتر دکوپاژش رجوع می‌کند و خودش را برای ضبط صحنه بعد آماده می‌کند. جای دوربین تغییر می‌کند، سیاهی صحنه غلیظ‌تر می‌شود و مغانلو پشت صندوق چوبی می‌نشیند. با این کریم، نسرين مغانلو مسن‌تر به نظر می‌رسد. در فضای تاریک وروشن زیرزمین همه‌چیز برای ضبط این صحنه آماده است. کار به سه برداشت می‌رسد و بعد از آن جای دوربین برای گرفتن نماهای بسته تغییر می‌کند. بعد از ضبط این صحنه با علیرضا زربن‌دست هم‌کلام می‌شویم. سال‌ها از عمر رفاقت و همکاری زربن‌دست و کیمیایی می‌گذرد و خودش می‌گوید سلیقه‌هایمان یکی است. «بعد از هشت تجربه همکاری، بعضی‌وقت‌ها بعد از اینکه با هم مشورت کنیم یا حرفی بزنیم به یک نگاه و تصمیم واحد می‌رسیم».

هنر

«خون شد» در آخرین روزهای فیلم‌برداری

این کیمیایی دیگری است؟



زربن‌دست می‌گوید: «مسعود کیمیایی در مقایسه با عمری که از او رفته است، ذهن جوان و مدرنی دارد، خصوصا در این فیلم. از زمانی که فیلم‌برداری شروع شد، هر روز و هر لحظه و هر سکانس انگیزه، امید و حرکت را در من بیشتر کرد. فکر می‌کنم که «خون شد» می‌تواند از جمله بهترین آثار آقای کیمیایی باشد. طبعاً قصه‌های مسعود کیمیایی برآمده از سلیقه و نگاه خاصش است و همین موضوع باعث به‌وجودآمدن شباهت‌های خاصی میان آثارش می‌شود و این طبیعی است. اما ساختار این فیلم به‌هیچ‌عنوان شبیه فیلم دیگرش نیست. این فیلم ساختار مدرن و سینمایی امروز را دارد و فکر می‌کنم اگر کیمیایی را ننشاسید فکر می‌کنید فردی ۳۰ ساله «خون شد» را ساخته. من هم به سهم خودم تلاش و سعی کردم فیلم‌برداری آن قابل اعتنا باشد».

به لحاظ موضوعی کمی نزدیک باشد اما پرداخت کاملاً متفاوتی دارد و می‌توان گفت یکی از متفاوت‌ترین آثار مسعود کیمیایی است».
نوروزی یکی درباره سرمایه ساخت فیلم اخیر مسعود کیمیایی می‌گوید: «متأسفانه این روزها اتهام‌زنی در سینما متداول شده است. آقای رنجکشان ازجمله افرادی است که در یک سال اخیر حواشی بسیاری حول چرایی و چگونگی حضورش در سینما ایجاد شد. اما در این مدت همه ما متوجه شدیم که او یکی از علاقه‌مندان سینما خصوصا سینمای اجتماعی است. همه ما که در سینما کار می‌کنیم می‌دانیم که بسیاری از سرمایه‌گذاران به دنبال بازگشت سریع سرمایه‌شان هستند و اکثر آنها بعد از حضور در مقام سرمایه‌گذار به سراغ فیلم کم‌دی می‌روند و خواهان همکاری با بازیگران مشخصی هستند که برگشت سرمایه‌شان را تا حد زیادی تضمین کنند. اما آقای رنجکشان از فیلم خوب صحبت می‌کند و کیفیت است که برایش اهمیت دارد. او انتخاب می‌کند و این کار را با وسواس انجام می‌دهد. اگر حضور آقای رنجکشان نبود، قطعا فیلم «خون شد» ساخته نمی‌شد. او در این مدت از بسیاری از فیلم‌سازان نسل جوان حمایت کرده و مهم‌تر از آن این است که سینمای اجتماعی را حمایت می‌کند».

نوروزی یکی ادامه داد: «به نظر بهتر است به جای مطرح‌کردن حرف‌های تکراری از افرادی که برای سینما زحمت می‌کشند، تقدیر کنیم. یا اگر از آنها سیاست‌گذاری نمی‌کنیم، دست‌کم ناسزا نگوئیم و سکوت کنیم. همه کسانی که من را می‌شناسم می‌دانند اعتقاد و باوری دارم و تا صحت مسئله‌ای به خودم ثابت نشود به راحتی آن را نمی‌پذیرم. مدتی است کنار آقای رنجکشان هستم و موضوع شبهه‌داری ندیدم. به‌راحتی تهمت‌زدن کار پسندیده‌ای نیست. یک‌سال‌ونیم از ورود آقای رنجکشان به سینما گذشته است. حاصل این حرف‌ها چه شد؟ آقای رنجکشان فیلم نساخته؟ دادگاهی شد؟ او در حال طی‌کردن مسیرش است. او دیگر میهمان نیست. همکاریان شده. سینما را شروع کرده است و به درستی ادامه می‌دهد».
زمان حضور ما در کنار گروه «خون شد» به زودی سپری می‌شود. اگر همه چیز طبق برنامه پیش برود و فیلم مراحل پس‌تولید را در زمان کافی پشت سر بگذارد و به شرط انتخاب، برای نخستین بار در جشنواره فیلم فجر پیش‌رو به نمایش گذاشته خواهد شد. فیلمی که امید بسیاری برای درخشش آن وجود دارد و باید دید چه واکنش‌هایی از سمت مخاطبانش خواهد گرفت.



نشست خبری کنسرت گروه شیلر برگزار شد

تمدید اجرای گروه شیلر در تاریخ ۲۰ آبان

دلیل تصمیم داریم در دور تازه کنسرت‌ها برنامه‌های جدیدی را پیش روی مخاطبان ایرانی قرار دهیم که امیدوارم از این برنامه هم رضایت داشته باشند.
او درباره انتشار تازه‌ترین آلبوم خود که با برخی از هنرمندان ایرانی کار کرده بود، توضیح داد: وقتی ما یک آلبوم جدید تولید می‌کنیم، کارهای ساده‌تری پیش‌رو داریم و سعی می‌خواهیم با این کار از آنها قدردانی کنیم، من احساس نمی‌کنم که مخاطبان کمتر شده است؛ چراکه شاهد حضور پرشور مخاطبانی هستم که در زمان برگزاری کنسرت‌هایم استقبال خوبی از کارهای ما انجام می‌دهند. آنچه اهمیت دارد بحث تغییر در تکنیک است که حالت گروه را تغییر داده است.
او در بخش دیگری از این نشست خبری درباره موضوعات مالی و هزینه‌ای حضور گروهش در ایران گفت: شاید عده‌ای بر این باور باشند که بلیت کنسرت من گران است، اما آبی‌ا با این وضع من باید در خانه کرد: در این حوزه هیچ انحصاری وجود ندارد و من نمی‌توانم درباره کاری که خودم انجام می‌دهم، به موضوع انحصار تاکید کنم. به‌رحال اجرای این شرایط بسیار سخت است و کمتر تولیدکننده و تهیه‌کننده‌ای حاضر می‌شود تا در این حوزه ورود کند. او درباره

او ادامه داد: «بسیاری از من دلیل کم‌کاری سالیان اخیر را پرسیدند. اکثر فیلم‌نامه‌هایی که به دستم می‌رسید نکته قابل اعتنایی نداشت و آن‌قدر می‌بیل بودم که احساس کردم می‌توانم دیگر با بازیگری خداحافظی کنم». اما از طرف دیگر شعف زیادی برای کارکردن با اساتید این رشته دارم و خدا را شکر که پیشنهاد بازی در «خون شد» مطرح شد. بازی در این فیلم به من انرژی دوباره‌ای برای کارکردن داد».

مسعود کیمیایی «خون شد» را برای حضور در جشنواره فیلم فجر آماده می‌کند. به گفته خواد نوروزی یکی تهیه‌کننده فیلم برخلاف خواست قلبی مسعود کیمیایی و حضورش در جشنواره، این فیلم برای حضور در این رویداد هنری آماده می‌شود و زمان کافی برای آماده‌سازی فیلم وجود دارد. نوروزی یکی می‌گوید: «ماجرای ساخت فیلم خون شد» اتفاق جالبی برای من بود. من با آقای رنجکشان درگیر ساخت فیلم «عنکبوت» بودم و آقای رنجکشان قراری با آقای کیمیایی داشت و دوست داشت با استاد در مقام

سرمایه‌گذار همکاری داشته باشد. در جلسه‌ای که برگزار شد، اتفاق نظر و افتخاری حاصل شد که من تهیه‌کننده این اثر باشم. فیلم‌نامه را خواندم و به نظر بسیار درخشان بود و بای کار ایستادم. «خون شد» به قدری خوب نوشته شده بود که خیلی راحت به نقطه‌نظر مشترک رسیدیم و کار را شروع کردیم. این نکته را مد نظر داشته باشید که استاد کیمیایی آن‌قدر حرفه‌ای و تولیدی جلو می‌رود که به نظر گاهی از گروه هم جلوتر است و طبیعی است او بزرگ سینمای ماست و همه ما از او یاد می‌گیریم».

او ادامه داد: «اوایل ساخت فیلم بحثی مطرح شد مبنی بر اینکه «خون شد» شبیه فیلم «قیصر» است. باید این را گفت که «خون شد» هم فیلم قهرمان‌پروری است. اما قهرمان زمان را تصویر می‌کند. طبیعی است که رگه‌هایی از فیلم‌های دیگر آقای کیمیایی را می‌توان در آن دید و شاید به لحاظ موضوعی کمی نزدیک باشد اما پرداخت کاملاً متفاوتی دارد و می‌توان گفت یکی از متفاوت‌ترین آثار مسعود کیمیایی است».

نوروزی یکی درباره سرمایه ساخت فیلم اخیر مسعود کیمیایی می‌گوید: «متأسفانه این روزها اتهام‌زنی در سینما متداول شده است. آقای رنجکشان ازجمله افرادی است که در یک سال اخیر حواشی بسیاری حول چرایی و چگونگی حضورش در سینما ایجاد شد. اما در این مدت همه ما متوجه شدیم که او یکی از علاقه‌مندان سینما خصوصا سینمای اجتماعی است. همه ما که در سینما کار می‌کنیم می‌دانیم که بسیاری از سرمایه‌گذاران به دنبال بازگشت سریع سرمایه‌شان هستند و اکثر آنها بعد از حضور در مقام سرمایه‌گذار به سراغ فیلم کم‌دی می‌روند و خواهان همکاری با بازیگران مشخصی هستند که برگشت سرمایه‌شان را تا حد زیادی تضمین کنند. اما آقای رنجکشان از فیلم خوب صحبت می‌کند و کیفیت است که برایش اهمیت دارد. او انتخاب می‌کند و این کار را با وسواس انجام می‌دهد. اگر حضور آقای رنجکشان نبود، قطعا فیلم «خون شد» ساخته نمی‌شد. او در این مدت از بسیاری از فیلم‌سازان نسل جوان حمایت کرده و مهم‌تر از آن این است که سینمای اجتماعی را حمایت می‌کند».

نوروزی یکی ادامه داد: «به نظر بهتر است به جای مطرح‌کردن حرف‌های تکراری از افرادی که برای سینما زحمت می‌کشند، تقدیر کنیم. یا اگر از آنها سیاست‌گذاری نمی‌کنیم، دست‌کم ناسزا نگوئیم و سکوت کنیم. همه کسانی که من را می‌شناسم می‌دانند اعتقاد و باوری دارم و تا صحت مسئله‌ای به خودم ثابت نشود به راحتی آن را نمی‌پذیرم. مدتی است کنار آقای رنجکشان هستم و موضوع شبهه‌داری ندیدم. به‌راحتی تهمت‌زدن کار پسندیده‌ای نیست. یک‌سال‌ونیم از ورود آقای رنجکشان به سینما گذشته است. حاصل این حرف‌ها چه شد؟ آقای رنجکشان فیلم نساخته؟ دادگاهی شد؟ او در حال طی‌کردن مسیرش است. او دیگر میهمان نیست. همکاریان شده. سینما را شروع کرده است و به درستی ادامه می‌دهد».
زمان حضور ما در کنار گروه «خون شد» به زودی سپری می‌شود. اگر همه چیز طبق برنامه پیش برود و فیلم مراحل پس‌تولید را در زمان کافی پشت سر بگذارد و به شرط انتخاب، برای نخستین بار در جشنواره فیلم فجر پیش‌رو به نمایش گذاشته خواهد شد. فیلمی که امید بسیاری برای درخشش آن وجود دارد و باید دید چه واکنش‌هایی از سمت مخاطبانش خواهد گرفت.

قیمت بالای کنسرت هم گفت: همه ما در جریان هستیم که سال ۹۶ یورو قیمت پایینی داشت و ما هم بر اساس همان قیمت به موضوع قیمت‌گذاری کنسرت‌ها پرداختیم که طبیعتاً ارزان‌تر از امسال بود. اما امسال قیمت یورو افزایش زیادی داشته و ما هم مجبور شدیم قیمت‌ها را افزایش دهیم که اتفاقاً نسبت به دوره‌های گذشته آنچنان رقم بالایی نبوده است. البته درباره میزان قرارداد مالی که با گروه بسته شده است، به دلیل قوانینی که در این حوزه وجود دارد، نمی‌توانیم اشاره‌ای داشته باشیم، مگر اینکه با توافق طرفین صورت پذیرد. این موضوع یک عرف در میان تهیه‌کنندگان و کمپانی‌های خارجی است که در تمام دنیا وجود دارد. گروه آلمانی شیلر به‌سرپرستی کریستوفر فون دین که سال ۹۶، میزان حدود ۲۴هزار مخاطب در ایران بود. آبان امسال با اجرای قطعات آلبوم جدید «صبح دم» در تالار وزارت کشور دو شب روی صحنه خواهد رفت. این گروه موسیقی قرار است روزهای پنجشنبه و جمعه ۱۶ و ۱۷ آبان سال جاری در سطح وزارت کشور تهران با اجرای منتخبی از قطعات سحر و آلبوم جدید خود به روی صحنه برود و در ادامه برگزاری تور کنسرت اروپا، تازه‌ترین کنسرت خود را در ایران برگزار کند. کنسرت گروه «شیلر» روزهای ۱۶ و ۱۷ آبان ۱۳۹۸ در سالن اصلی وزارت کشور به تهیه‌کندگی «ریتم نو» برگزار می‌شود و بلیت‌فروشی کنسرت برای روز ۱۷ آبان‌ماه از ساعت ۱۷ امروز از طریق سایت ایران‌کنسرت آغاز می‌شود.

زیر آسمان فیروزهای

کریر: «خانه دوست کجاست» از بهترین فیلم‌هایی است که دیده‌ام

● شب «ژان کلود کریر» پنجشنبه شب ۱۶ آبان، با حضور این هنرمند در دایره‌المعارف بزرگ اسلامی برگزار شد. فیلیپ تیبو، سفیر فرانسه در ایران، به‌عنوان نخستین سخنران این مراسم، با اشاره به حضور قبلی ژان کلود کریر در ایران گفت: «ژان کلود کریر سال گذشته برای دریافت جایزه فارابی به ایران آمد و این‌بار نیز مراسم بزرگداشتی برای او برپا شده است، اما این تنها دلیل حضور او در ایران نیست، بلکه ژان کلود کریر علاوه بر حضور در عرصه نویسندگی، فیلم‌نامه‌نویسی و ترجمه، در زمینه طراحی نیز استعداد زیادی دارد و نماینده‌ای از آثار او در گالری دستن‌برپا شده است. آثاری که در این نمایشگاه به نمایش گذاشته شده، نتیجه جوشش خلاقیّت ژان کلود کریر است و هر بیننده‌ای می‌تواند در این آثار بخشی از روزمره خود را پیدا کند و درواقع می‌توان این آثار را دریچه‌ای به جهان هستی نامید». سخنران بعدی این مراسم شهرام ناظری بود که با اشاره به سابقه طولانی آشنایی با ژان کلود کریر گفت: «آشنایی من با ژان کلود کریر به واسطه همسر ایشان، خانم نهال تجدد، صورت گرفت. فعالیت‌های ژان کلود کریر درباره مولانا بسیار ارزنده است و درواقع می‌توان او را پل ارتباطی بین ایران و فرانسه دانست. متأسفانه در ایران اهمیت زیادی به مشاهیر فرهنگی داده نمی‌شود، اما در گذشته و کنار جهان بزرگانی مانند ژان کلود کریر خدمات زیادی را برای فرهنگ ما انجام می‌دهند». نهال تجدد، مولاناپژوه و همسر ژان کلود کریر، سخنران بعدی مراسم بود و با بیان اینکه یکی از درس‌هایی که از ژان کلود کریر آموخته، نترسیدن از کارهای سخت و سخت کارکردن است، افزود: «شاید توقع این باشد که به عنوان همسر ژان کلود کریر از زندگی خصوصی او صحبت کنم، اما زندگی خصوصی او از کار‌ها و فعالیت‌های حرفه‌ای‌اش جدا نیست و شناخت ژان کلود کریر با شناخت کارهای او میسر می‌شود». او ادامه داد: «نخستین دیدار من با ژان کلود کریر مربوط به مصاحبه‌ای بود که در سال ۱۳۶۷ برای مجله پیام پیوسکو با او انجام می‌دادم و او همان زمان مشغول به کار روی پروژه‌ای مربوط به «مهاجران» یکی از اسطوره‌های هندی بود. وقتی از او سؤالاتی درباره این کار پرسیدم، از اطلاعات من درباره این اسطوره تعجب کرد و دلیل آن را پرسید و من از زمینه‌های مشترک فرهنگ ایران و هند برای او گفتم و در ادامه بیشتر او سؤال پرسید و من جواب دادم». او با اشاره به مطرح‌شدن پیشنهاد نوشتن زندگی‌نامه مولانا به ژان کلود کریر گفت: «در یکی از فستیوال‌ها تهیه‌کنندگان ترک از ژان کلود خواستند زندگی‌نامه مولانا را برای ساخت فیلمی با بازی لئوناردو دی‌کاپریو بنویسد، ولی او مخالفت کرد، اما این موضوع حرفه‌ای برای نوشتن این فیلم‌نامه را زد و تحقیق درباره آن را شروع کردیم. دوران مولانا روزگار حمله و فتح مغول‌هاست و ژان کلود برای نوشتن فیلم‌نامه تصمیم گرفت از صحنه‌ای شروع کند که جلال‌الدین کوچک در حال ماهیگیری است اما به‌جای ماهی جسدی صید می‌کند. ابتدا فکر کردیم برای ساخت آن در ایران با مشکل مواجه می‌شویم و در خارج نیز متأسفانه آن‌چنان که باید مولانا شناخته‌شده نیست، اما خوشبختانه این اتفاق در حال رخ‌دادن است». در پایان این مراسم ژان کلود کریر در سخنانی گفت: «وقتی می‌خواهیم به یک فرهنگ اهمیت بدهیم، در واقع باید مردم آن فرهنگ را هم دوست داشته باشیم که برای عشق به این ملت همسر من نقش مهمی را ایفا کرد. من بارها به ایران سفر کردم و هر بار به هر نقطه‌ای از ایران که رفتم از من به‌خوبی پذیرایی شد و با احترام با من برخورد شد. من آدم پرخاشگری هستم، اما ایرانی‌ها از بهترین میزبانان هم بسیار میهمان‌نواز هستند. مثلاً اگر من در جایی از جنوب ایران کم شده باشم و کشاورزی در ۲۰۰ متری من مشغول به کار باشد، اگر به او بفهمانم که کم شده‌ام و فارسی هم بلد نیستم، او کارش را رها می‌کند و برای کمک پیش من می‌آید، اما من در فرانسه کشاورزی را نمی‌شناسم که کار خود را برای چنین موضوعی رها کند. برای دوست‌داشتن یک ملت باید به آنها نزدیک شد و من این موضوع را از پیتز بروک فراگرفته‌ام». کریر با اشاره به نقش بسیار مهم مهین تجدد در ایجاد شناخت او از زبان فارسی و پهلوی باستانی گفت: «من همراه با همسرم و مهین تجدد صد غزل از مولانا را ترجمه کردیم و تلاش من این بود که قبل از ترجمه ریتم شعر را درک کنم و بعد به ترجمه بپردازم. اولین نفری که می‌خواهم از او یاد کنم داریوش شایگان است؛ کسی که درباره فرهنگ ایران و هند با او تماس گرفت و گفت که تو باید فیلمی را ببینی و اسم کارگردان آن را هم نمی‌دانست. من به دیدن آن فیلم رفتم و آشنایان این حیرتزده شدم، و در واقع آن فیلم «خانه دوست کجاست» بود، و همان روز فیلم «کلوزآپ» کیارستمی را هم دیدم. فیلم «خانه دوست کجاست» را در مجموع سه بار دیدم و می‌توانم بگویم یکی از بهترین فیلم‌هایی است که تاکنون دیده‌ام. این فیلم را زمانی دیدم که حتی نمی‌دانستم در ایران سینما هم وجود دارد».